



پیام احمدی‌نیا بازیگر:

«ملاقات خصوصی» عشقی که از دل بزهکاری بیرون می‌آید

■ مسعود کارگر

پیام احمدی‌نیا، فعالیت در عرصه سینما را به عنوان دستیار کارگردان و فعالیت در پشت صحنه آغاز کرد. پس از آن با بازی در فیلم «پایان خدمت» به کارگردانی حمید زرگرنژاد وارد سینما شد و بعد از درخشش در این فیلم در «حمل طلا»، «لونه زنبور»، «آسپرین»، «ناهید»، «زخم» و «صحنه زنی» نقش‌آفرینی کرده است. این بازیگر با فیلم «ملاقات خصوصی» به کارگردانی امید شمس در چهلمین دوره از جشنواره فجر حضور دارد. پیام احمدی‌نیا بازیگر این فیلم در گفت‌وگویی با «روزنامه صبا» به سوالات ما در خصوص این اثر و چالش‌هایش پاسخ داده است که در ادامه می‌خوانید.

«حمل طلا» کاراکترم سیاه نبوده، یا در فیلم «گریه سیاه» که در حال اکران است شخصیت منفی به آن معنا ندارم. و این کاراکترها اتفاقاً آدم‌هایی هستند که به جنس آدم‌های روز شبیه بوده و در شرایط مختلف که قرار می‌گیرند مجبور به انتخاب و تصمیم‌گیری می‌شوند.

■ اولویت انتخاب نقش برای شما براساس عوامل است یا براساس فیلمنامه؟
به هر حال جمع‌بندی همه مسائل است. همیشه معتقدم اگر فیلمنامه خوب باشد و کارگردان بد، فیلمی متوسط تحویل می‌دهد. ولی در نهایت همه این مسائل اهمیت دارد.

■ در جشنواره امسال دوست داشتید کدام فیلم به شما پیشنهاد می‌شد که در آن بازی کنید؟
فقط «ملاقات خصوصی».

فضای جشنواره امسال و فیلم‌ها را چگونه می‌بینید؟
برخلاف چیزهایی که صحبتش بود جشنواره خوبی است. لاقابل یک روز در میان فیلم‌های خوب می‌بینیم.

■ با وجود تمام این سختی‌ها و چالش‌ها چقدر امیدوارید که در روز اختتامیه، بین نامزدهای اصلی و برنده‌ها باشید؟

من فکر می‌کنم اگر داورها خوش سلیقه باشند «ملاقات خصوصی» در خیلی از بخش‌ها می‌تواند کاندید باشد و حتی سیمرغ دریافت کند.

■ در ابتدا از همکاری با امید شمس در «ملاقات خصوصی» بگویید.

امید شمس را به واسطه فیلم‌های کوتاهش می‌شناختم. وقتی که پیشنهاد بازی در «ملاقات خصوصی» را به من دادند فیلمنامه را خواندم و چون زمانی به فیلم اضافه می‌شدم که کل گروه بسته شده بود و می‌دانستم چه اشخاصی در کار بازی می‌کنند و چون گروه بازیگران، عوامل پشت صحنه، نویسندگان همگی درجه‌یک بودند به همین دلیل کار را پذیرفتم.

■ خودتان فضای فیلم را چقدر دوست داشتید؟

من کار را بسیار دوست داشتم. فیلم‌هایی که به نوعی به مسائل اجتماعی و بزهکاری می‌پردازند را در سینما دیده‌ایم اما اینکه از دل این فقر و بزهکاری یک عشق بیرون بکشیم خیلی کار جذابی است. کاری که فکر می‌کنم امید شمس به خوبی از پس آن برآمده است.

■ شما بیشتر در فیلم‌هایی با ژانر ملودرام اجتماعی بازی می‌کنید آیا علاقه خودتان است یا اینکه

این نقش‌ها به شما پیشنهاد می‌شود؟
به هر حال مبحث پیشنهاد هم هست. من عمده پیشنهاداتم این نقش‌هاست اما هیچ‌وقت فکر نمی‌کنم نقش تکراری بازی کرده باشم. شما هرکدام از این نقش‌ها را که ببینید شکل و کاراکتر خاص خودشان را دارند. برای مثال در فیلم



یادداشت روز

کلیشه زدایی در سینما

■ مسعود کارگر

زنان در سینما

همیشه و تا کنون با ترسیمی از زن در سینمای ایران مواجه شده‌ایم که کلیشه بوده است و عمده اثر بر محوریت ازدواج، طلاق، ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی و اکثراً نگاه جنسی بوده است، که در فیلم یا با یک زن ضعیف، مظلوم و بیچاره روبه‌رو هستیم و یا فرای آن با یک شخصیت و داستان زن محور جنسیت زده، که نقطه عطف آن محوریت شخصیت یک زن با گزاره‌های فانتزی یا فرو واقعیتهای سیاه بوده است.

کمتر پیش آمده مدل واقعی یک زن ایرانی بدون اغراق در سینما به نمایش گذاشته شود و همان چند مورد محدود نیز با کلی ملاحظه و محافظه کاری بوده است.

در چند سال اخیر اما رویه در حال تغییر است و در آثاری جسورانه با مدلی تعریفی از زن مخصوصاً زنان چهره در سینما مواجه هستیم که بی‌پرده در خصوص مسائل آن‌ها صحبت شده و در مورد چالش‌های زندگی آنان پرداخت مناسبی رخ داده است. یکی از این آثار «هناس»



است. این فیلم روایتی بیوگرافی از یک همسر شهید است، که سعی دارد با روایت زندگی او به نوعی همه زنان ایران و مشکلاتشان را از چند جنبه نشان دهد، زنان ایرانی که خاصه همسر و مادران شهدا بوده و حال برخی از آن‌ها مادر و همسر مجاهدان و مدافعان علمی، عقیدتی و امنیتی کشور هستند که هر لحظه احتمال فراق برایشان وجود دارد.

«هناس» ترسیم بی‌پرده چالش زندگی همسران شهدای هسته‌ای است که در دو دهه اخیر با پر استرس‌ترین و ملتهب‌ترین زندگی دست و پنجه نرم کرده و شجاعانه پای انتخاب و تصمیمات خود ایستاده‌اند. در این فیلم همه گزاره‌های وجودی یک زن ایرانی ملموس است و اغراقی وجود ندارد و ما با شخصیت زنی روبه‌رو هستیم که کاملاً قابل درک بوده و به دور از هر کلیشه، سیاه‌نمایی و اغراق است و این بهترین مدل ترسیم زن در سینمای نوین ایران است.

شهدا در سینما

در دهه شصت و هفتاد عمده آثار با محوریت دفاع مقدس و زوایای پیرامونی آن بوده است که برخی فیلم‌ها موثر و حقیقی جلوه داشته و برخی کاملاً با واقعیت‌های موجودی جنگ تحمیلی فاصله گرفته و صرفاً ترسیم غالب ذهنی سازنده بوده است. اما از اواسط دهه نود تا به حال نمایش چهره جنگ و شهدا در سینما صورت دیگری پیدا کرده و به واقعیت آن بیشتر نزدیک شده است. پیش از این ما با روایت کاملاً کلیشه از چهره شهدا و شخصیت‌های مهم دفاع مقدس مواجه بودیم که با درک مخاطب فاصله زیادی داشت. اما امروزه



با تحولات رسانه‌ای، شیوه بیان و تبیین متفاوت شده و به طبع در این حوزه نیز تغییراتی ایجاد شده که مخاطب، خاصه مخاطب نسل جدید بتواند درک عمیق هویتی نسبت به چهره‌های دفاع مقدس داشته باشد و که از بهترین آثار این چنینی در سال‌های اخیر می‌توان به «ایستاده در غبار» و «موقعیت مهدی» اشاره کرد که با روایتی ساده و در عین حال طرح پیچیدگی شخصیت‌ها، هویت واقعی و حقیقی چهره‌ها را برای همه نوع مخاطب مفهومی و قابل درک کرده است و این راه درست معرفی و تبیین پرتنه شهدا در سینماست.